

# امپراتوری بستنی

جفری فورد

ترجمه‌ی سمیه گنجی

۱۳	جاینت لند
۳۹	زامبی مالتوسی
۷۳	ذهن کاتب
۱۱۷	چیزی از دریا
۱۴۹	امپراتوری بستنی
۱۹۳	شناور در لیندره تول

## جفری فورد

• جفری فورد، متولد هشتم نوامبر ۱۹۵۵ در وست ایسلیپ<sup>۱</sup>، نیویورک است و گرچه بیشتر او را به اسم نویسنده‌ی فانتزی می‌شناسند داستان‌هایش دایره‌ی گسترده‌ای از داستان‌های فانتزی، علمی و اسرارآمیز را دربرمی‌گیرد. قدرت تخیل، حس طنز، اشارات ادبی و علاقه به داستان‌ها و قصه‌های تو در تو ویژگی آثار اوست. فورد از دانشگاه بینگم تن<sup>۲</sup> فارغ التحصیل شده، در نیوجرسی زندگی می‌کند و در دانشکده‌ی بروکدیل<sup>۳</sup> در مان‌مات<sup>۴</sup> ادبیات و نویسندگی درس می‌دهد. آثار او در مجلات مختلف چاپ شده است.

اولین داستان او صندوقچه<sup>۵</sup> در مجله‌ی ادبی MSS در سال ۱۹۸۱ چاپ شد و اولین رمان کاملش، وانیتاس<sup>۶</sup> سال ۱۹۸۸ به چاپ رسید. وانیتاس، در هنر، شکل مهمی از نقاشی طبیعت بی‌جان است که اوایل قرن هفدهم در هلند شکل گرفت. این سبک، شامل مجموعه‌ای از اشیای نمادین است که به ناگزیر بودن مرگ و پوچی دستاوردها و لذات دنیوی اشاره می‌کنند.

آثار او به کرات نامزد جوایز معتبر ادبیات فانتزی و علمی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به فراست<sup>۷</sup> (۱۹۹۸)، دستیار نویسنده‌ی فانتزی<sup>۸</sup> (۲۰۰۳)، آفرینش<sup>۹</sup> (۲۰۰۳) و شهر باج<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷) اشاره کرد. کتاب حاضر هم جایزه‌ی نیولا را دریافت کرد و سال ۲۰۰۵، دختر داخل شیشه<sup>۱۱</sup> جایزه‌ی ادگار آلن پو را برای

1. West Islip

2. Binghamton

3. Brookdale Community College

4. Monmouth

5. The Casket

6. Vanitas

7. The Physiognomy

8. The Fantasy Writer's Assistant

9. Creation

10. Botch Town

11. The Girl in the Glass

بهترین کتاب اصلی جلد کاغذی دریافت کرد. سال ۲۰۰۹ نیز سال سایه<sup>۱</sup> و زندگی غرقه<sup>۲</sup> جایزه‌ی دنیای فانتزی را دریافت کردند.<sup>۳</sup>

مجموعه‌ی پیش رو که در اصل گلچینی است از داستان‌های کوتاه فورد، نام خود را از داستانی به همین اسم وام گرفته که خود در گلچین ادبی دیگری با همین نام و با مجموعه داستان‌های دیگری نیز به چاپ رسیده.

در مقدمه‌ی کتاب مذکور که توسط انتشارات گلدن گریفن<sup>۴</sup> به چاپ رسید، جانانان کرول که خود از طرفداران برجسته‌ی فانتزی به شمار می‌آید چنین نوشت: «فورد همه جا شگفتی می‌بیند و تمام و کمال آن را می‌پذیرد. نویسنده‌ای گشاده‌دست که مشتاق تقسیم کردن این شگفتی با خواننده است. دقت و وضوحی که فورد در تخیل خود ارائه می‌کند به اندازه‌ی حضور واقعی در آن وقایع، حقیقی جلوه می‌کند.»

خود فورد اشاره‌ای به این مطلب ندارد ولی عجیب به نظر نمی‌آید اگر داستان امپراتوری بستنی را اشاره‌ای به شعر معروف والاس استیونس<sup>۵</sup>، امپراتور بستنی بگیریم. در انتهای مقدمه، شعر مذکور، به شکل اصلی آن آمده است. در این شعر، بستنی نمادی است از خوشی و دم را دریافتن. بستنی به سرعت آب می‌شود و تصویر زیبایی هم که در برابر راوی داستان فورد شکل می‌گیرد به همین سرعت آب می‌شود و از دست می‌رود. شعر امپراتور بستنی واکنش‌های متفاوتی را در میان خوانندگان برمی‌انگیزد. از نظر بعضی چون شعر به توصیف صحنه‌ی تشییع جنازه می‌پردازد با تعابیری که به کار می‌برد به متوفی توهین می‌کند ولی از برخی دیگر نظر چنین نیست زیرا زندگی از آن زندگان است و ادامه دارد. نکته این‌جاست که درک دنیا، از چشم افراد گوناگون، گوناگون جلوه می‌کند. مثل تصاویر روی بوم، که هر نقاش با درک و سبک خود، منظره‌ای دیگرگون رقم می‌زند.

به همین ترتیب و نقاش‌وار، جفری فورد برای تبدیل کردن وقایع روزمره به امری جادویی و اسرارآمیز، هنر به خرج می‌دهد و زحمت می‌کشد. نتیجه‌ی تلاش فورد، رقم خوردن تابلویی است که از مرزهای خلق یک دنیای فانتزی فراتر می‌رود و به مکانی ختم می‌شود که از چیستی ادبیات می‌پرسد. خواننده‌ی داستان‌های فورد، هم به طور مستقل متوجه ویژگی‌های خارق‌العاده‌ی آن دنیا است و هم می‌تواند از چشم شخصیت‌ها این دنیا را ببیند و با دانسته‌ها و تجربیات خود مقایسه کند. نیل گیمن نیز از تکنیک مشابهی در آثار خود استفاده می‌کند. در بیشتر آثار او، دنیایی موازی، دنیایی پنهانی یا زیرزمینی وجود دارد که درست زیر گوش خودمان قرار

1. The Shadow Year

2. The Drowned Life

3. www.well-builtcity.com

4. Golden Gryphon

5. Wallace Stevens

گرفته. گرچه گیمن برای رفت و آمد میان این دنیاها محدودیتی قائل می‌شود. داستان اصلی مجموعه، در مورد مرد جوانی است که بیماری حس‌آمیزی دارد و درک و تجربه‌ی او از رنگ و مزه متفاوت از انسان‌های عادی است. فوراً این بیماری ساده را دستمایه‌ی داستانی بسیار جذاب می‌کند و بر آن‌چه واقعیت جلوه می‌کند پرده‌ای ظریف‌بافت و زیبا و جذاب می‌کشد تا خواننده را به سمت پایانی غیرعادی هدایت کند.

دیگر داستان‌هایی که در این گلچین آمده‌اند چنان تصاویر روشنی را پیش چشم خواننده می‌سازند که خود مترجم بارها به اشتباه افتاد و تصور کرد فیلمی و فیلم‌هایی با این مضمون دیده است! امید که این خیال شیرین برای شما نیز تکرار شود.

### امپراتور بستنی

آن را که سیگارهای بزرگ را می‌پیچد خبر کنید، هم او که درشت‌اندام است، و بخوانیدش که شلاق کشد بر بیاله‌های شهوانی کشک.

وانهید دخترکان تا بیارمند در آن جامه چندان که خو کرده‌اند، و پسران را وانهید تا پیچیده در آخرین روزنامه‌ی ماه، گل آورند. وانهید که پنداره و خیال واپسین، باشد. تنها امپراتور، امپراتور بستنی است.

از گنجه‌ی کاج برگیرید، از همان که سه دسته‌ی بلور کم دارد، آن کفن را همان را که روزگاری بانو نقش طاووس بر آن می‌زد و چنان بگسترانید که چهره‌اش بیوشاند. مبادا که پاهای پینه‌بسته‌اش بیرون افتد. مبادا که عریان کنند چه سرد است و چه گنگ. وانهید شمع را که بتابد. تنها امپراتور، امپراتور بستنی است.

والاس استیونس  
(۱۹۵۵-۱۸۷۹)